یادداشت

## مدیریت رهای کرونا

مهدی زارع
کارشناس مدیریت بحران

این‌که بحران کرونا چرا به مرحله‌ای رسیده که بیش از ۸۰ درصد کشور در وضعیت قرمز و نارنجی قرار دارد، از دو جنبه قابل بررسی است. بخشی از این مساله به مردم برمی‌گردد که در قبال انتقال بیماری مسؤولیت فردی دارند و نباید به سفر می‌رفتند؛ اما مساله مهم دیگر، نحوه مدیریت و هدایت جمعیت به سمت شهرهای آبی و زرد است که در تعطیلات نوروزی آزاد گذاشته شد. کارشناسان معتقدند که برای کنترل کرونا باید فاصله‌گذاری اجتماعی رعایت شود، اتفاقی که در نوروز ۹۹ افتاد و در نوروز ۱۴۰۰ به آن بی‌توجهی شد. در واقع ضعف مدیریت و تشویق مردم به دید و بازدید و سفر به شهرهای آبی و زرد، باعث بروز این مشکل شده است.

مسلما اتفاق امروز کشور، به خاطر بی‌تدبیری ستاد ملی مبارزه با کرونا در مدیریت کروناست. برای نمونه ستاد ملی مبارزه با کرونا، محدودیت‌ها را تشدید نکرد و اجازه داد تا مردم به سفر بروند یا دید و بازدید نوروز، انجام دهند. اتفاقی که حداقل باعث شد در نوروز، حتی تالارهای پذیرایی باز و مراسم عروسی و عزا برگزار شود، اما مسائل اقتصادی نمی‌تواند دلیلی باشد تا جان مردم به خطر بیفتد و روزانه حدود ۲۰۰ ایرانی جان خود را از دست بدهند.

لازم به یادآوری است که اگر از ستاد ملی مقابله با کرونا صدای واحد و درستی شنیده نشود، شرایط شیوع ویروس کرونا در کشور بدتر از این روزها خواهد شد.

به این ترتیب باید ابتدا برنامه واکسیناسیون سرعت بگیرد، زیرا کمتر از یک درصد مردم واکسن کرونا دریافته کرده‌اند که این نگران‌کننده است. بنابراین از هر کشوری که دولت و مسؤولان وزارت بهداشت صلاح می‌دانند، باید واکسن تهیه شود. دومین نکته این که محدودیت‌های مناسب اعمال شود و به اعمال محدودیت‌ها هم نظارت شود. باید کرونا به صورت یکپارچه مدیریت و از تجمع مردم جلوگیری شود. در این خصوص می‌توان به صف‌های خرید مرغ اشاره کرد، باید گفت مساله توزیع مرغ، به بحران کرونا ربطی ندارد، اما با تجمع مردم در صف‌های طولانی، شدت انتقال ویروس کرونا بیشتر می‌شود.

افزون بر این فرماندهی ستاد ملی مبارزه با کرونا برعهده وزارت بهداشت و درمان است و مدیران این وزارتخانه باید حرف اول و آخر را بزنند. رهبر معظم انقلاب هم بارها اعلام کرده‌اند باید به نظر کارشناسان حوزه بهداشت توجه کرد. به همین دلیل وقتی به هشدارهای وزیر بهداشت و درمان درباره وضعیت کرونا در کشور توجه نمی‌شود، مساله عجیبی است. اگر به سخنان وزیر بهداشت توجه نشود، نمی‌توان به کنترل کرونا در کشور امیدوار بود. برای نمونه می‌توان به پروازهای انجام گرفته به ترکیه یا به سایر هشدارهایی که مطرح می‌شود، اما به آن توجه نمی‌شود، اشاره کرد. به نظر می‌رسد که مدیریت واحدی در ستاد مقابله با کرونا در جریان نیست یا ملاحظات سیاسی در مدیریت این بحران نقش دارد.

لازم به یادآوری است که مناسب‌ترین راه برای مقابله با ویروس کرونا، تعطیلی دو هفته‌ای کشور است. راهکاری که در برخی از کشورهای اروپا هم درنظر گرفته شده است.

در کنار این مسائل، دولت باید برای ارائه خدمات الکترونیک به مردم نیز تلاش کند و مدیران شرکت‌های دولتی و خصوصی برای اجرای دورکاری تلاش کنند. افزون براین باید برای کاهش بار ناوگان حمل و نقل عمومی نیز چاره‌ای اندیشیده شود، زیرا شهروندان قادر نیستند در قطارهای مترو و اتوبوس‌های شهری فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت کنند. با مرگ فاصله‌گذاری اجتماعی نیز شرایط برای فراگیری کرونا تسهیل می‌شود.

## گام پنجم بسیج ملی کووید- ۱۹ به‌زودی آغاز می‌شود

جعفر صادق تبریزی، رئیس مرکز مدیریت شبکه معاونت بهداشت وزارت بهداشت گفت: گام پنجم بسیج ملی کووید- ۱۹ در کشور به‌زودی آغاز می‌شود و در این گام واکسیناسیون عمومی افراد به‌تدریج با اولویت گروه‌های پرخطر انجام خواهد شد. وی افزود: در گام چهارم بسیج ملی کووید- ۱۹ که به‌نام شهید والامقام سردار سلیمانی مزین شد از اول آذر ۹۹ با همکاری سازمان بسیج مستضعفین و مشارکت بین بخشی نهادهایی همچون هلال احمر آغاز شد، ۶۸ هزار و ۷۴۷ تیم با بیش از ۲۳۰ هزار عضو مشارکت جدی داشتند. تبریزی ادامه داد: غربالگری چهارمیلیون و ۲۸۰ هزار نفر افراد در معرض تماس با فرد تست مثبت در این طرح انجام شد که برای ۵۰ درصد آنها تست سریع کووید- ۱۹ انجام گرفت. وی عنوان کرد: حدود ۳۱۵ هزار نفر که مشمول قرنطینه معکوس بودند و نباید از منزل بیرون می‌آمدند، به همین دلیل تیم‌های مراقبت در منزل به آنها مراجعه و ویزیت در منزل و مراقبت از آنها انجام و برای بیش از ۵۳ درصدشان تست تشخیصی سریع انجام شد. /ایرنا

کرونا روز گذشته ۱۹۳ نفر از هموطنان‌مان را به کام مرگ فرستاد

عکس: برنا

### چرا هر بار فکر می‌کنیم کرونا را شکست داده‌ایم، با تصمیمات اشتباه به نقطه صفر برمی‌گردیم؟

# قرمز بی‌تدبیری

### همه استان‌های کشور قرمز شدند

مریم خباز
جامعه

**مثل روز روشن بود که به این نقطه می‌رسیم؛ واضح‌تر از خورشید و کتمان ناپذیرتر از روشنایی آفتاب. همه حتی کم‌سوادها و کم‌اطلاع‌ها و مردم عامی که تحلیل علمی بلد نیستند و به غریزه حرف می‌زنند، می‌دانستند تعطیلات که شروع شود و فرمان آزاد باش که از سوی دولت صادر شود، دو هفته بعد باید کاسه چه کنم دست بگیریم. حالا تعطیلات تمام شده و کاسه چه کنم افتاده توی دستمان و در کشوری که گونه‌هایش از شدت تب کرونا گل انداخته باید دنبال راهی برای فرار از بیماری باشیم.**

**اما به کجا باید رفت؟ به ۳۱ مرکز استان که همگی قرمزند یا به ۲۵۷ شهر که آنها هم قرمزند؟ مسلما به ۱۲۹ شهر نارنجی و ۵۱ شهر زرد هم نمی‌شود دلخوش بود، چون با همین سرعتی که بیماری پیش می‌رود چند روز دیگر اینها هم همه قرمز می‌شوند و در ایرانی که سراسر سرخ و احمر است مجبوریم حتی خواب‌های قرمز ببینیم چه رسد به بیداری‌هایمان که یکپارچه قرمز خواهد بود.**

**فردا را نمی‌دانیم. امروز که امروز است در ایران پهناور ما فقط چهار لکه آبی وجود دارد که یک لکه مماس است با استان نیمروز افغانستان، دو لکه چسبیده است به مرز ایران و پاکستان در جنوب شرقی و یک لکه هم یله داده است در سواحل دریای عمان در جنوب؛ به جز اینها هر چشم‌اندازی که هست، قرمز است و خبر از خطر کرونایی می‌دهد که پرزورتر و جدی‌تر از گذشته مبتلا و قربانی صید می‌کند.**

اما چرا با این که امروزمان از قبل قابل پیش‌بینی بود و این پیش‌بینی هوش و درایت چندانی هم نمی‌خواست، ما دوباره به تله کرونا افتادیم؛ آیا تقصیر ما ملت بود یا تقصیر دولتمردان؟ آیا این ما مردم بودیم که قسم حضرت عباس خوردن وزیر بهداشت برای سفر نکردن و دورهم جمع نشدن را نشنیدیم یا دولت بود که ۲۵ اسفند ۹۹ با مطلوب جلوه دادن شرایط و ترسیم نقشه‌ای از ایران که به جز چند لکه قرمز، بقیه‌اش زرد و آبی آرامبخش بود ما را به اشتباه انداخت؟

۲۴ روز قبل که برای لغو نشدن سفرهای نوروزی در جلسه شنبه روز ستاد ملی مقابله با کرونا دل در دل مردم نبود و دولت با یک همراهی غافلگیرکننده با دل مردم، به جز برای ۱۴ شهر قرمز و ۳۱ شهرستان نارنجی تردد در سایر نقاط کشور را آزاد اعلام کرد کسانی که دستی در کار و تحلیلی در ذهن داشتند، مطمئن بودند تعطیلات تمام نشده تق کار در می‌آید و بیماری اوج می‌گیرد که گرفت.

ما اکنون در تاریخی‌ترین برهه از حضور ویروس کرونا در کشور، در نقطه‌ای که هر روز رکورد ابتلا و مرگ روز قبل را می‌شکنیم و با شتاب آسانسورهای برج میلاد به سمت آمارهای بزرگ‌تر می‌تازیم آنچنان درگیر چه باید بکنیم و همه چالش‌های مدیریتی ابتدای شیوع کرونا هستیم که بعید است وضع فعلی در آینده‌ای نزدیک کنترل شود. در واقع ما در حبابی از بی‌تدبیری و ندانم‌کاری اسیریم که گهگاه رنگ و بوی سیاسی‌کاری و حتی تعارض منافع برخی مسوولان را نیز می‌گیرد؛ حبابی که هرگز نمی‌ترکد بلکه فقط اندازه‌اش کوچک و بزرگ می‌شود و لبه‌های آن همواره به تن و بدن ما می‌ساید.

### چه بودیم، چه شدیم!

نقشه ایران که ماه‌هاست رنگ‌بندی‌های کرونایی مناطق روی آن ترسیم می‌شود ۲۵ اسفند ۹۹ نقشه‌ای امیدبخش بود. آن روز فقط شهرهای آبادان، امیدیه، اندیمشک، اهواز، ایذه، بندر ماهشهر، بهبهان، دزفول، رامهرمز، شوش، شوشتر، کارون و مسجد سلیمان در خوزستان و گچساران در استان کهگیلویه و بویر احمد وضعیتی قرمز داشتند. شهرهای نارنجی کرونایی هم محدود بودند به ارومیه، اشنویه، خوی، ماکو، نقده، شهرضا، باغ ملک، حمیدیه، هفتگل، هندیجان، خرمشهر، دشت آزادگان، شادگان، هویزه، دهلران، دامغان و شاهرود، پاسارگارد، گراش، لامرد، خنج و مهر، سیرجان، کهگیلویه، گرگان، رودبار و رودسر، آمل، رامسر، ساری و خمین. همین شد که با چراغ سبز ستاد ملی مقابله با کرونا (بخوانیم دولت) سفرها راه افتاد و مردمی که بازهم تصور کردند کرونا تمام شده و بیماری به خاطره‌ها پیوسته در جای جای ایران جاگیر شدند. البته مردم در حالی به پشتگرمی اطلاعات دولتی خیالشان راحت شده بود که همان روز ۲۵ اسفند که اجازه سفر صادر می‌شد کرونا در کشورمان ۱۰۰ قربانی گرفته بود و آمار ابتلاها همچنان پنج رقمی و بالای ۱۱ هزار بود؛ آماری که در کشورهای دیگر بحران تلقی می‌شود، نه وضعیتی مطلوب.

اگر بدانیم چند روز قبل در شهری از شهرهای چین فقط به دلیل مثبت شدن آزمایش کرونای شش نفر قرنطینه سراسری اعمال شد ولی ما در حالی که صد کشته داده‌ایم و ۱۱ هزار بیمار جدید شناسایی کرده‌ایم اوضاع را خوب می‌دانیم، آن وقت قطعا به این نتیجه می‌رسیم که کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است و مشکلی در میان. قبل از تعطیلات نوروز حمید سوری، رئیس کمیته اپیدمیولوژی کووید- ۱۹ به ما گفت اشتباه محاسباتی مدیران و تصمیم‌گیران کشور از شیوه غلط رنگ‌بندی‌های کرونایی ناشی می‌شود و چون ملاک رنگ‌بندی‌ها میزان بستری در هر منطقه است فراموش می‌شود که ملاک‌های جهانی برای رنگ‌بندی مناطق مبتنی است بر تعداد ابتلاها و مراجعات سرپایی. این توضیح البته منطقی به نظر می‌رسد ولی گمان‌مان این است که اصرار بر این شیوه نادرست رنگ‌بندی هم از آبشخور سوءمدیریت و شاید هم از سوءمدیریت‌های تعمدی ناشی می‌شود که این همه وقت اصلاح نشده است. در واقع امروز آنچه بعد از ۱۴ ماه گلاویز بودن با کرونا ذهن‌مان را درگیر کرده این است که آیا واقعا ملاک رنگ‌بندی‌های کرونایی در کشورمان اشتباه است یا تصمیمات اشتباهی که گرفته می‌شود تعمدی است؟

### مدیریت بی‌منطق

برای اثبات عمدی بودن تصمیمات نادرست در کنترل و مدیریت کرونا در کشورمان باید مستدل حرف زد و سند ارائه داد ولی چون اثبات آن بسیار دشوار است و حمل بر سیاه‌نمایی می‌شود، به صلاح نزدیک‌تر این است که تصمیمات نادرست را ناشی از بی‌تدبیری بدانیم نه سوءنیت. مصداق‌های این بی‌تدبیری نیز زیاد است و عیان‌ترینش فرصت‌سوزی نوروز ۱۴۰۰ است برای مهار کرونا. نوروز امسال هرآنچه کوشیده بودیم بریسیم با آزادسازی سفرها و عادی جلوه دادن اوضاع توسط دولت همگی پنبه شد. همچنین نه‌فقط انجام سفرهای داخلی و شرکت در کنسرت‌های پی‌درپی جزیره کیش برای همگان آزاد بود که سفرهای خارجی حتی به کانون‌های جدی شیوع کرونا مثل ترکیه نیز آزاد و رها بود. حتی این روزها که ابتلای روزانه نزدیک به ۵۰ هزار نفر به کرونا در ترکیه مسجل است بازهم سفر به این کشور مجاز است و یک ایرانی می‌تواند با بهای اندک به کانون بیماری برود و کرونا سوغات بیاورد.

حتی در ماجرای تلخ‌تر، در حالی که پیش از این وزیر بهداشت در نامه به وزیر کشور درخواست توقف حداقل یک هفته‌ای ایاب و ذهاب از طریق مرزهای هوایی و زمینی با ترکیه را ارائه کرده بود، وزیر کشور با این توجیه که لغو شدن پروازها خسارت سنگینی به بار می‌آورد، بی‌پروا اعلام کرد چون توقف تردد در مرزها تبعات سوء دارد بسته شدن مرزها فعلا منتفی است. جالب این که رئیس جمهوری نیز نظر وزیر کشور را پسندید و با نادیده گرفتن نظر وزیر بهداشت، مخالفت صریح خود را با توقف پروازها به ترکیه اعلام کرد. در این آشفته‌بازار هیچ عجیب نبود که مطلع شدیم عده‌ای سودجو که پشت‌شان به تصمیمات غیرکارشناسی و نبود نظارت گرم است، تصمیم ستاد ملی مقابله با کرونا مبنی بر لغو تورهای ترکیه را لگدمال کردند و این بار به جای برگزاری تور در حال فروش پکیج رزرو هواپیما، هتل و ترانسفر به مقصد ترکیه هستند. اگر نخواهیم این اتفاقات را از مصادیق بارز سوءتدبیر بدانیم دست‌کم باید آنها را ناشی از دوگانه سلامت و معیشت که هنوز در ذهن مسؤولان اجرایی کشور پابرجاست، بدانیم؛ دوگانه‌ای که همواره نیز از موضوع حیاتی سلامت می‌گذرد و به نفع معیشت رای می‌دهد، آن هم معیشتی نیم‌بند. گرچه ایرج حریرچی، معاون کل وزارت بهداشت ترجیح داد در یک برنامه زنده تلویزیونی نام کسانی را که نظرات وزارت بهداشت را در ستاد ملی مقابله با کرونا وتو می‌کنند، مکتوم نگه دارد ولی همین که او گفت می‌خواستیم از تعطیلی نوروز ۱۴۰۰ برای خاموش کردن شعله‌های بزرگ کرونا استفاده کنیم و شعله‌های کوچک‌تر را با طرح شهید سلیمانی خاموش کنیم اما عده‌ای اجازه این کار را ندادند، معلوم است که نطفه تصمیمات اشتباه در ستاد ملی و توسط رده بالاترین افراد تصمیم‌گیر بسته می‌شود که به تعبیر ایرج حریرچی به سلامت جامعه، نسبت به بقیه امور وزن کمتری می‌دهند. اما چه وزنی سنگین‌تر از وزن سلامت جامعه و مهار یک بیماری فلج‌کننده و خسارت‌زا؟

عده‌ای این روزها که کرونا بی‌امان‌تر از همیشه در حال تاخت‌وتاز است یک ورد ذهن‌شان را درگیر کرونا و ور دیگر را راهی بورس کرده‌اند؛ دو حیطه‌ای که نحوه تصمیم‌گیری‌ها در هر دو به‌گونه‌ای است که شرایط سبز را خیلی راحت به شرایط قرمز تبدیل می‌کند و از قضا در هر دو حیطه نیز قرمزشدن اوضاع یقه مردم را می‌گیرد نه کسانی را که مسبب ایجاد شرایط هستند؛ یکی به جان مردم می‌افتد و یکی به مالشان.

### محدودیت‌های بی‌بخار

کشوری که ۲۵۷ شهر قرمز و ۳۱ مرکز استان کرونایی دارد و ابتلاهای روزانه‌اش پنج رقمی و مرگ‌های ۲۴ ساعته‌اش سه رقمی است در مدیریت کووید- ۱۹ سرش پایین است و قطعا حرفی برای گفتن ندارد. همین کشور اگر در چنین شرایط بحرانی همچنان تصمیمات بی‌خاصیت و حتی غلط بگیرد که اصلا تا مدت‌ها نباید سرش را بلند کند. اگر این کشور را خودمان بدانیم در ماجرای مدیریت کرونا یک بازنده بیشتر نیستیم و چون اصرار بر اشتباهات داریم و مصلحت را یک روز راه‌آمدن با دل بازاریان، یک روز فرجه‌دادن به شرکت‌های هواپیمایی و گهگاه نرمش به نفع صنعت گردشگری دانسته‌ایم بازنده بودن‌مان ادامه‌دار است. با این که دیروز بعد از ابتلای نزدیک به ۲۱ هزار نفر دیگر به کرونا و فوت ۱۹۳ هموطن، دیگر جایی برای دفاع از تصمیمات ستاد ملی مقابله با کرونا باقی نمانده بود، ایرج حریرچی، معاون کل وزارت بهداشت محدودیت‌های گروه دوم و سوم شغلی برای شهرهای قرمز و نارنجی را اعلام کرد؛ در واقع برای ۸۵ درصد از شهرهای ایران. او گفت از این پس به مدت دو هفته بوستان‌ها، بازارهای دائم و موقت، پاساژها، مراکز شماره‌گذاری، آرایشگاه‌های زنانه و مردانه، فروشگاه‌های لوازم آرایشی و بهداشتی، لوازم خانگی، کادویی، اسباب‌بازی‌فروشی، مشاوران املاک، آتلیه‌های عکاسی و مراکز تهیه و طبخ غذا و رستوران‌ها در شهرهای قرمز و تالارها، استخرها، باشگاه‌های ورزشی، چایخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها، آموزشگاه‌های زبان و موسیقی و مهدهای کودک در شهرهای نارنجی تعطیل‌اند. حریرچی البته گله کرد از این که چند روزی از قرمز و نارنجی شدن بسیاری از شهرها می‌گذرد ولی هیچ‌کدام از این محدودیت‌ها اعمال نشده اما از گله چه سود؟ اعمال این محدودیت‌ها که مطمئنا همچون ماه‌های قبل به واسطه ضعف نظارت‌ها خوب رعایت نخواهد شد همچنان نظر منتقدان را نیز تامین نکرده است؛ یکی از آنها پیام طبرسی رئیس بخش عفونی بیمارستان مسیح دانشوری تهران که دیروز در برنامه‌ای رادیویی خواستار تصمیم‌گیری درست ستاد ملی مقابله با کرونا در کنترل بحران پیک چهارم در کشور شد و گفت که با محدویت‌های نیم‌بند نمی‌توان شرایط را کنترل کرد. او می‌گوید ظرفیت کرونایی بیمارستان‌ها اشباع شده و بخش‌های جدید در حال بازشدن است که این هم محدود است و بعد از چند روز به بن‌بست خواهیم رسید.

محمد طالب‌پور، رئیس بیمارستان سینای تهران نیز که میزان مراجعات فعلی به بیمارستان‌های تهران را چهار برابر مراجعات نیمه بهمن و کل ماه اسفند می‌داند، راه چاره را تعطیلی دو هفته‌ای شهر و گسترش واکسیناسیون می‌داند و لاغیر.

عباس آقازاده، رئیس مجمع عمومی سازمان نظام پزشکی هم که معتقد است از سرعت اپیدمی عقب مانده‌ایم و پشت سر ویروس کرونا در حال حرکتیم نیز بهترین راه را گسترش واکسیناسیون در کشور می‌داند که البته در این باره درگفت‌وگویی با ایلنا از عملکرد ضعیف مسوولان در تامین واکسن کرونا انتقاد کرده است.

با این حال درد ما در ماجرای کرونا فراتر از این حرف‌هاست و مشکلات خلاصه است در گفته‌های جلیل میرمحمدی، عضو کمیسیون بهداشت مجلس به جام‌جم که اصلی‌ترین دلیل وضعیت موجود، تصمیماتی است که در ستاد ملی مقابله با کرونا گرفته می‌شود و با نگاه تخصصی پیشگیری از شیوع این بیماری هیچ همخوانی ندارد؛ ستادی که در آن به نظرات و توصیه‌های وزیر بهداشت به عنوان متولی اصلی پیشگیری از این بیماری توجه نمی‌شود و این شخص تنها و تک‌رای است. این وزیر بهداشتِ تک‌رای و تنها دیروز چند جمله آتشین و البته مبهم گفت که با کمی تفسیر و تحلیل می‌توان به کنه آن پی برد. سعید نمکی گفته است با شناختی که از قدرت سرایت و مرگ و میر ویروس جدید داشتم با مکاتبات عدیده از بخش‌های مختلف درخواست کردم موضوع را جدی بگیرند تا بتوانیم ویروس را در استان خوزستان زمین‌گیر کنیم اما برخی کرونا و مرگ مردم این سرزمین را ابزار سیاسی می‌کنند تا بتوانند ورشکستگی گذشته را شاید جبران و در ماه‌های پیش رو آب رفته را به جوی بازگردانند.

جوی، آب رفته، سیاسی‌کاری، کرونا، مرگ مردم، جبران ورشکستگی؛ این کلمات از دیروز تا به حال در ذهن ما منجلابی ساخته‌اند که افکارمان تا زانو در آن فرورفته است؛ اینها چه کسانی هستند که چنین اعتقاداتی دارند و دلیل عنادشان با سلامت مردم چیست؟

نمکی: برخی کرونا و مرگ مردم این سرزمین را ابزار سیاسی می‌کنند تا بتوانند ورشکستگی گذشته را شاید جبران و در ماه‌های پیش رو آب رفته به جوی را بازگردانند

میرمحمدی: اصلی‌ترین دلیل وضعیت موجود، تصمیماتی است که در ستاد ملی مقابله با کرونا گرفته می‌شود؛ ستادی که در آن به نظرات و توصیه‌های وزیر بهداشت به عنوان متولی اصلی پیشگیری از این بیماری توجه نمی‌شود

### ساختار ستاد باید تغییر کند

فریبرز ناطقی الهی
کارشناس مدیریت بحران

بر اساس علم مدیریت بحران، مشکلاتی با ابعاد وسیع همچون شیوع ویروس کرونا باید به‌صورت اصولی حل شود. راه‌های مقطعی که این روزها در مدیریت بحران کرونا در حال انجام است، راهکارهای مناسبی برای ریشه‌کنی شیوع ویروس در کشور نیست. مدیریت بحران شیوع ویروس کرونا در کشور فاجعه‌بار است. امروز مدیریت پاندمی رهاشده و به همین دلیل است که هرروز شاهد افزایش ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از بیماری کرونا در کشور هستیم. حال زمان آن است که تدبیری برای مدیریت بحران کرونا اندیشیده شود. منابع بهداشتی کشور مستهلک و کادر درمان نیز خسته شده است. بنابراین باید برای رفع این مشکلات فکری کرد اما قبل از هر چیزی باید ساختار ستاد ملی مقابله با کرونا تغییر کند. در حال حاضر تعطیلی کشور می‌تواند تصمیم مناسبی برای مدیریت بحران به وجود آمده ناشی از ابتلا و مرگ‌ومیرهای کرونایی باشد. با اعمال تعطیلی دوهفته‌ای کشور هیچ اتفاقی نمی‌افتد. البته تعطیلی چهارهفته‌ای کشور می‌تواند گزینه مناسبی باشد. همچنین تعطیلی هشت‌هفته‌ای کشور می‌تواند تا ۹۰ درصد آرامش را به کشور برگرداند. با تعطیلی دوهفته‌ای فقط می‌توان تا اندازه‌ای شیوع ویروس را کاهش داد اما بعد از بازگشایی، آمار ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از کرونا دوباره افزایش پیدا می‌کند. البته تعطیلی کشور برای کنترل شیوع ویروس کرونا می‌تواند گزینه مناسبی باشد اما توجه به تأمین نیازهای اولیه مردم نیز باید به‌عنوان یکی از اولویت‌های ستاد ملی مقابله با کرونا در نظر گرفته شود.

### تعطیلی تنها راه است

مینو محرز
عضو کمیته علمی ستاد مبارزه با کرونا

پیش از تعطیلات نوروز، ویروس جهش‌یافته کرونا در کشور شایع بود و بارها مدیران سلامت هشدار دادند در برخی شهرهای کشور ویروس جهش‌یافته شایع است. این در حالی است که با شروع تعطیلات نوروزی، سفر به شهرهای کشور آزاد اعلام شد. هرچند جای سوال است که چرا مسافرت به شهرها در تعطیلات نوروزی آزاد شد، اما این نبود مدیریت در اعمال محدودیت‌ها، باعث افزایش شدید شیوع ویروس کرونا در کشور شد و امروز شاهد افزایش ابتلا و مرگ و میر ناشی از آن هستیم. تعداد مراجعات و بستری در بخش‌های ویژه در پایتخت و دیگر شهرها افزایش پیدا کرده و این شرایط حداقل تا دو هفته دیگر ادامه دارد. درشرایطی که واکسن کرونا به طور کامل به کادر درمان نرسیده و تا تولید انبوه واکسن ایرانی نیز چند ماهی فاصله داریم، بهترین راه، تعطیلی دو هفته‌ای کشور است. تعطیلی سراسری کشور در ستاد ملی مقابله با کرونا مطرح شده و پیشنهاد اعضای کمیته علمی ستاد هم تعطیلی است اما بسیاری از کسب و کارها با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند. پس شاید گزینه قرنطینه بخش‌های پرخطر تهران و دیگر شهرهای قرمز که در شرایط بحرانی قرار دارند، بتواند باعث کاهش تشدید شیوع بیماری کرونا شود. حداقل پنج تا هفت روز باید مناطق مختلف و پرخطر تهران و شهرهای دیگر تعطیل شود، در این صورت کمی از بار بستری و مراجعه افراد مبتلا به کرونا در بیمارستان‌ها کاسته و تا حدودی بیماری کنترل می‌شود. بهترین کار این است که مدیران سلامت برنامه‌ریزی کنند و تصمیم مناسبی برای تعطیلی تهران و شهرهای قرمز دیگر بگیرند.